

## روشهای پیدا گوژیکی « خود شناسی اطفال » :

نوشته ای : گل احمد « حکیمی » .

آنجائیکه سوالها مطرح اند :

زندگی مملو از پرسشهاست . پرسشهاییکه بعضی شان بی معنی اند ، و دیگرشان بی مزه و ناخوشایند و عده ای شان هم بی نهایت مهم و با اهمیت اند . سوالها معمولا به سه دسته تقسیم می شوند :

دسته اول :

اینها سوالاتی اند که مربوط به زندگی شخصی انسانها می شوند .

صحت .  
پول .  
فامیل .  
آینده .

دسته دوم :

اینها سوالاتی اند که مربوط خودشناسی و « دنیای زیرین » میشوند .

من کیستم ؟  
چرا در اینجا هستم ؟  
چه میخوام ؟  
کجا خواهم رفت ؟  
آیا زندگی مفهومی دارد ؟

اما آنچه که مهمتر از همه ای اینهاست ، سوالات اند که در مورد خدا است :

دسته سوم :

اینها سوالاتی اند که مربوط " خدا شناسی " می شود .

آیا خداوند وجود دارد ؟  
خداوند کیست ؟  
آیا ما میتوانیم خداوند را بشناسیم ؟  
شناخت خدا چگونه ممکن میشود ؟  
« دنیای زیرین » .

تاریخ بشریت از یک تونل زمان میگذرد ، زندگی انسانها خواهی نخواهی با گذشته ، حال و آینده پیوند نا گسستگی دارد که از آدم تا خاتم باید از آن عبور نماید و فکر بشر آنها را به بررسی گیرد تا با یک آگاهی کامل و عبور از آن ، " راه راست " را پیموده و از اشتباهات بدور باشد . در اینجا سوالی پیش می آید و آن اینک : آیا زمان جاده ای یکطرفه است ؟ .

در طول تاریخ بشریت فلا سفه ها و اندیشمندان زیادی وجود داشته که در زمینه های مختلف زندگی و از جمله پیرامون « تونل زمان » نظریات مختلفی ارائه نموده اند . از آنجائیکه انسانها بر اساس همین اختلاف نظر ها و از دیدگاه روانشناسی به « مدل » ها و دسته های مختلف ایدیو لوژیکی و فلسفی تقسیم شده اند ، و از نظر خصوصیات شان با هم متفاوت اند ، لازم می افتد تا از آنها یاد آوری شود و راه ها و روشهای آنها را در جامعه دسته بندی نمائیم تا در تعین و گزینش راه و روشهای منطقی تری برای خود ما و کودکان مان دچار اشتباه و سردرگمی ها و تصادمات فکری و تقلیدی نشده باشیم .

تقسیم بندی انسانها از نظر مفکوره شناسی ، چنین است :

از نظر « خصوصیات » :

- اول : انسانهای گذشته نگر .
- دوم : انسانهای آینده نگر .
- سوم : انسانهای ماموریت گرا ( ایده ، ماموریت ، و هدف ) .

از نظر « مدل » :

- اول : انسان مدل نظریه آیدیالیستی ( معتقدان فلسفه ، مقدم بودن روح بر ماده ) .
- دوم : انسان مدل نظریه ماتریالیستی ( ماده پرست ها ) .
- سوم : انسان مدل نظریه رئالیستی ( عینی گرا ، واقع گرا ) .

که در واقعیت ریشه های رشد شخصیت انسان از همین منابع آب میخورند و اساس و تهاب اندیشه های انسان از همینجا گذاشته می شود . حالا فرقی ندارد که چه مدل از انسانها را ما می خواهیم تربیت کنیم ، زیرا اصل تهاب را ما در زندگی امروزی گذاشته ایم و این دیگر در قدم نخست وابسته به خود والدین و آنگاه مؤسسات تربیتی و بلاخره اجتماع است که چه انسانی را میخواهند به جامعه تقدیم کنند ...! . با انتخاب راه ها و روش های معین « اندیشه ها » ، میتوان در اطفال انگیزه های « خود شناسی و خدا شناسی » را رشد داد و یا هم آنها را با اندیشه های مخالف آن تربیت کرد که باز هم انتخاب با خود والدین اطفال است . امروز به یقین میتوان گفت که :

هر پدر و مادری آرزو دارند تا اطفال شانرا در یافتن راه های معقول و منطقی کمک نمایند تا آنها به سوالات نا مکتوف شان پاسخ درست بیابند . پاسخی که ناشی از طرز دید والدین اطفال نسبت به ادیان ، مکاتب فلسفی و اندیشه وی خواهد شد و هر طوریکه آنها می اندیشند اطفال شان آنرا با سادگی فراخوانند گرفت !... پس بیابید تا با روشن ساختن تکالیف عقیدتی خود ما در قدم نخست ، راه مان را در زندگی بیابیم و آنگاه ، « نو نهالان » مان را در کشف آرزو ها و امیال شان ، یاری و کمک نمائیم و آنها را در راه درست و منطقی سمت دهیم و فرق راه را از چاه برایشان نشان دهیم ، تا میداد نسل های آینده مان بار دیگر به بیراهه ها کشانیده شوند !... . و اما چیز دیگری که در اینجا قابل یاد آوریست موضوع محیط تربیتی طفل یعنی :

1- محیط خانواده .

2- محیط مکتب .

3- محیط کار و جامعه .

است که هر سه آنها بنوبه ای خود شان ، نقش بسزائی را در روند رشد تعلیم و تربیت اطفال دارند .

**تعلیم و تربیت :**

تعلیم و تربیت جنبه های اساسی و بنیادی دارند . چنانچه آینده ای هر فرهنگ ، هر جامعه ، و هر تمدنی بستگی به آن دارد که مسوولین امور تعلیم و تربیت در این و یا آن جامعه تا چه حد به این امر مهم و حیاتی توجه میکنند . از اینجا میتوان گفت که به هر اندازه ای که در یک جامعه به امور تعلیم و تربیت توجه صورت گرفته باشد ، میزان فقر و بدبختی نیز در آن جوامع پائینتر است . بلند بردن سطح دانش ، تربیت و ارزشهای اخلاقی اتباع یک جامعه مساوی با سطح مشکلات اجتماعی آن جامعه میتواند باشد . از اینرو تعلیم و تربیت در یک جامعه در رفع مشکلات اجتماعی و عقبمانده گی یک کشور نقش مهمی را بازی می کند و در واقعیت امر لازم و ملزوم یکدیگرند . و اصلا ایندو باید موازی پیش برده شود . زیرا اگر تنها با جهل و فقر مبارزه صورت گیرد و به جنبه های تربیتی افراد جامعه توجه نشود ، در آنصورت انحراست اخلاقی در جامعه بروز خواهد کرد . تعلیم و تربیت در واقعیت امر ، اساس جامعه

انسانی و بشری است. البته در قدم نخست این مسوولیت عظیم به دوش والدین، بخصوص مادران است تا با در نظر داشت دسترسی شان در روند تعلیم و تربیت اطفال شان اعم از دختر و پسر، توجه یکسان داشته باشند. مسأله تعلیم و تربیت اطفال بخصوص دختران در جوامع پیشرفته خلاف جوامع عقبمانده به یک امر ضروری مبدل شده است. زیرا آنها این واقعیت را درک نموده اند که دختران امروز، مادران فردا هستند. و هر قدر آنها خود روشنتر باشند، بهمان اندازه نقش مثمیری را در تربیت اطفال آینده شان میتوانند به عهده گیرند و مشعلداران نسلهای مابعد در جامعه باشند.

البته در اینجا در چه ای دانش و علمیت خود والدین را نباید از نظر دور داشت. چه نقش خود والدین در قدم نخست بی اثر نبوده و نیست. و هر پدر و مادری که دانش بیشتر داشته باشد و روشنفکر تر باشد، واضح است که در اثرگذاری بالای روحیه و تربیت اطفال شان نیز بهمان اندازه سریعتر و موفقتر خواهند بود...! و هر طوریکه آنها تهادب تربیت اطفال شانرا بگذارند و طرز دید و تربیت مورد نظر شانرا در "خمیر" آنها شکل بدهند، آنها نیز به همان شکل از نظر «خصوصیات» و «مدل» های انسانی بار خواهند آمد و آینده سازان جامعه شان خواهند بود...! در حقیقت این آرزو را هر مادر و پدر نسبت به تربیت اطفال شان در دل می پروراند و هیچ مادر و پدری را سراغ نخواهیم داشت تا طفلی را به جامعه تقدیم کنند که: جانی و قاتل باشد، بلکه برعکس آنها آرزو خواهند داشت تا طفل شان یک انسان سالم بار آید...!

### تونل زمان چیست؟ :

زمان جاده ایست که عبور از آن یکطرفه است و وقت انتظار کسی را ندارد...! . زندگی انسانها از گذشته به حال و آینده پیوسته ادامه داشته، دارد، و خواهد داشت. گذشته چراغ راه آینده است و همواره با ما ست! .... و آنچه ما هستیم و داریم نتیجه ای گذشته می باشد.

" ما محصولات گذشته هستیم و در آن متفرق می باشیم. " .... اگر " گذشته " را درک نکنیم و به صورت چیزی زنده در درونمان محسوس نباشد، " حال " را نیز درک نخواهیم کرد. زیرا « زندگی عبارت است از گذشته با حال و ادامه آن به سوی آینده ...! . » .

برای تو ضیح بیشتر و آشنائی بهتر اطفال تان در زمینه از طرح زیرین می توانید استفاده نمائید :

### طرح اینطور است :

نخست با کشیدن یک تونل که شکل استوانه ئی آن در پایین آمده است آنرا به سه قسمت « گذشته ، حال ، و آینده » تقسیم نموده ، « تونل زمان » تصورش کنید .

آنگاه سه سوال را در ذهن طفل جا دهید :

### از کجا؟ . به کجا؟ در کجا؟ .

پس از آن از آرزو های طفل تان بپرسید :

آرزوهای قبلی ، آرزوهای فعلی ، و آرزوهای بعدی ، آنها چی بوده ، هست و یا خواهد بود؟ .

آنگاه به مودل که در واقعیت طفل را وادار به شناختن خودش و گذشته گاناش کمک نموده ، یاری می رساند توجه آنها را جلب نموده ، با آنها کار توضیحی نمائید و آنها را تشویق به فکر کردن نمائید و از آنها بخواهید تا موقعیت خود و گذشته گانشان را با دریافت پاسخها به قضاوت گیرند...! .

این طرح ، برای آشنائی بهتر اطفال با " تونل زمان " کمک می نماید تا آنها با دریافت پاسخ به پرسشهای خودشان - گذشته ، حال و آینده شانرا دقیقتر درک نمایند و حتی پلانهای زندگی شانرا از همین جا طرح نموده و در جهت تحقق آنها گام های بعدی شانرا برداشته ، موفقیت بدست آورند...! .

**مودل های « تونل زمان » :**

هر زمان 12 مودل دارد که قرار ذیل می باشد :

اول : خوب      خویتر      خویترین .

دوم : خراب      خرابتر      خرابترین .

سوم : خوب      بهتر      بهترین .

چهارم : معمولی      خوب      عالی .

وبهمین ترتیب خود اطفال مودل های مختلف از سر نوشت های مختلف انسانهای روی زمین را می توانند با ارایه مثالها بسازند و آنها برای خودشان و آینده شان بعنوان گزینش « خصوصیت » و انتخاب مدل های « اندیشه وی » ، انتخاب نمایند و با زندگی و کرکترها و شخصیت های تاریخی دیگر جوامع آشنا شده و به یک ارزیابی خودی برسند .

آینده . در کجا ؟ آرزوی بعدی !	حال به کجا؟ آرزوی فعلی !	گذشته از کجا ؟ آرزوی قبلی !
-------------------------------------	--------------------------------	-----------------------------------

